

تحلیل فقهی جرائم جنسی حدی در فقه امامیه

محمدیاسین محسنی^۱

چکیده

جرائم جنسی مستوجب حد در فقه امامیه به رفتارهایی اطلاق می‌شود که طبق قوانین شرع، مجازات ثابت و معینی برای آن‌ها پیش‌بینی شده است که به آن، اصطلاحاً «حد» گفته می‌شود. این جرائم با توجه به مبانی فقهی و اهداف خاص، جرم‌انگاری شده و نظام کیفری ویژه‌ای برای آن‌ها لحاظ شده است. بر اساس منابع فقهی امامیه، جرائم جنسی مستوجب حد عبارتند از زنا یا رابطه جنسی غیر شرعی بین زن و مرد؛ لواط یا رابطه جنسی بین دو مرد؛ مساحقه یا رابطه جنسی بین دو زن؛ قیادت یا واسطه‌گری در فحشا. جرائم جنسی حدی دارای پیشینه و ادبیات غنی است که علاوه بر متون کهن فقهی، پژوهش‌های جدید نیز در این خصوص انجام شده است. با این وجود، نوشته‌ای که به صورت جامع و دسته‌بندی شده جرائم جنسی حدی را پوشش داده باشد و علاوه بر نوع فردی، به روش‌های سازمان‌یافته آن، نیز عنایت داشته باشد، کمتر به چشم می‌خورد. این نوشتار به بررسی جرائم جنسی حدی از منظر فقه امامیه، انواع جرائم جنسی حدی، مجازات آن‌ها و دیدگاه‌های مختلف فقهای امامیه در این خصوص، با روش تحلیلی توصیفی و استناد به منابع کتابخانه‌ای پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تحلیل فقهی، جرائم جنسی، حد، مجازات، فقه امامیه

۱. دکترای فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران



مقدمه

جرائم در فقه امامیه به جرائم جنسی و جرائم غیر جنسی قابل تقسیم است؛ جرائم جنسی به دو گروه تعزیری و حدی دسته‌بندی می‌شود. جرائم جنسی تعزیری آن دسته از جرائم می‌باشد که مجازات آن‌ها در شرع مشخص نشده و نظر قاضی در تعیین آن، تأثیرگذار است؛ اما مجازات جرائم جنسی حدی، در شرع مشخص و تعیین شده است. جرائم جنسی حدی در فقه از ادبیات غنی برخوردار است و در متون کهن فقهی باب مستقلی به حدود اختصاص یافته که علاوه بر جرائم جنسی حدی، سرقت، شرب خمر و محاربه را نیز شامل می‌شود. علاوه بر متون کهن فقهی، پژوهش‌های جدید نیز در این خصوص انجام شده است. با این وجود، نوشتار حاضر به بررسی و تحلیل فقهی جرائم جنسی حدی در فقه امامیه پرداخته و مزیت آن، نسبت به پژوهش‌های قبلی این است که تمام جرائم جنسی حدی را به صورت منسجم در یک مقاله پوشش داده و علاوه بر مباحث و مسائل رایج، به بحث سازمان‌یافتگی در جرائم جنسی نیز پرداخته است. ارجاعات پرتعداد به متون دست اول فقهی و بررسی دیدگاه‌ها و اقوال فقها در خصوص جرائم جنسی حدی و مجازات آن‌ها از دیگر امتیازات این نوشتار است. این تحقیق با روش تحلیلی توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای انجام یافته و گزارش آن به صورت مقاله ارائه شده است. زنا، لواط، مساحقه و قوادی، جرائم جنسی حدی هستند که در این نوشتار به آن‌ها پرداخته شده است.

۱. زنا

۱-۱. معنای زنا

زنا یکی از جرائم جنسی حدی است که مجازات مشخص و معین برای آن مقرر شده است. فقها تعاریف متعددی از زنا ارائه کرده‌اند که بعضی مربوط به اصل زنا و برخی ناظر به زنای حدی است. مشهورترین تعریف از زنا چنین است: «ادخال ذکر مرد در فرج زنی که نزدیکی با او بدون عقد یا رابطه ملکیت یا شبهه عقد حرام است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۳۶؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸: ۱۵، ۴۳۴؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۹، ۱۴-۱۵). در مورد این که زنا فقط در قبل زن محقق می‌شود یا شامل وطی در دبر نیز می‌شود،



بین فقها اختلاف است. از کلمات فقهایی مانند شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳: ۷۷۳) و شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۸۸) برداشت می‌شود که زنا با دخول در قُبُل زن محقق می‌شود و وطی در دبر خارج از عنوان زنا است؛ زیرا وطی را مقید در فرج کرده است و استعمال غالب فرج در قبل است نه دبر. ابن حمزه بعد از تعریف زنای حدی به وطی حرام در فرج زن بدون عقد یا شبهه عقد یا شبهه نکاح، می‌نویسد: «در خصوص وطی در دبر زن، دو قول است: یک قول این است که این عمل زنا است و این قول محکم‌تر و قوی‌تر است و قول دیگر این است که این عمل لواط است» (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۴۰۹). با این حال مشهور زنا را اعم از وطی در قبل و دبر دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۹، ۱۷۵). صاحب جواهر می‌نویسد: «در هر صورت عرفاً زنا با دخول ختنه‌گاه مرد در قُبُل یا دُبُر زن محقق می‌شود، همانطور که تعدادی از فقها به آن تصریح کرده‌اند، این قول مشهور است، بلکه هیچ قول مخالفی در آن نیافتم و صاحب ریاض المسائل نیز به عدم اختلاف اعتراف دارد» (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۲۶۰).

۱-۲. انواع زنا

زنا به لحاظ موضوع، حکم و مصداق، انواع مختلف و احکام گوناگون دارد و از حیث شیوه ارتکاب، به دو نوع فردی و گروهی یا سازمان‌یافته، قابل دسته‌بندی است.

الف. گروهی و سازمان‌یافته؛ زنا به لحاظ متعلق آن، در گونه سازمان‌یافته نیز همان است که در شکل فردی آن وجود دارد و از این حیث تفاوتی میان آن‌ها نیست. آنچه زنای گروهی و سازمان‌یافته را از حالت عادی و فردی متمایز می‌کند وصف سازمان‌یافته‌گی آن است. سازمان‌یافتگی، عبارت است از ایجاد سازمان (معین، ۱۳۸۵: ۵۵۱)، ترتیب و تنظیم سازمان (دهخدا، ذیل واژه سازمان: ۹۹)، دستگاهی را به وجود آوردن و به آن نظم و ترتیب دادن و همین‌طور به معنای تشکیلات، اداره یا بنگاه است که با همکاری هم کارهای خود را با نظم و ترتیب انجام می‌دهند (عمید، ۱۳۸۴: ۲، ۱۱۴۵). نظم و ترتیب و برنامه‌ریزی تشکیلاتی ناشی از همکاری چند نفر برای رسیدن به هدف یا اهدافی، شالوده اصلی مفهوم سازمان‌دادگی و سازمان‌یافتگی است. سازمان‌یافتگی که یک مفهوم وصفی است، در ترکیب با موصوف اسمی مانند جرم یا زنا یا هر عنوان اسمی دیگری، همان مفهوم



نظم‌بخشی و برنامه‌ریزی هدفمند در قالب همکاری چند نفر را دارد.

مؤلفه‌های اصلی جرم سازمان‌یافته عبارتند از غیر ایدئولوژیک بودن، همکاری بیش از دو نفر برای دوره‌ای نسبتاً طولانی یا نامعین، وجود سلسله مراتب و ساختار سازمانی، ارتکاب فساد اداری و تطهیر پول، استفاده از ارباب و خشونت و شدت در ارتکاب جرم، بهره‌گیری از ساختارهای تجاری و شبه تجاری، تأمین کالاها و خدمات نامشروع، در مظان ارتکاب جرائم سنگین، قواعد صریح و نانوشته الزام آور با ضمانت اجرای سخت و خشن و فدایی بودن اعضای گروه، نفوذ در دستگاه‌های اجرایی، تقنینی قضایی و رسانه‌ای و فعالیت در دو سطح فراملی و عمدتاً ملی و داخلی.

بنابراین جرم زنا نیز اگر ویژگی‌های فوق را داشته باشد، متصف به وصف سازمان‌یافته خواهد شد. در این‌که جرم زنا برای اتصاف به سازمان‌یافتگی باید تمام ویژگی‌های برشمرده شده را داشته باشد یا خیر؟ باید گفت لازم نیست جرم زنا تمامی اوصاف فوق را داشته باشد، بلکه اگر تعدادی از این اوصاف و البته مهمترین آن‌ها را داشته باشد، برای اتصاف به وصف سازمان‌یافتگی کفایت می‌کند. از جمله اوصاف لازم می‌توان به تعداد افراد عضو اشاره کرد؛ زیرا اصولاً جرم سازمان‌یافته به صورت تکی محقق نمی‌شود. هم‌چنین برنامه ریزی و تشکیلاتی عمل کردن و هدف‌دار بودن از دیگر مقومات جرم سازمان‌یافته است که بدون آن‌ها سازمان‌یافتگی محقق نخواهد شد. چنانکه اتحادیه اروپایی برای جرم سازمان‌یافته یازده ویژگی ذکر کرده و برای تحقق جرم سازمان‌یافته وجود شش ویژگی را کافی دانسته و البته حد اقل وجود سه عنصر همکاری بیش از دو نفر، در مظان ارتکاب جرم‌های سنگین قرار داشتن و به دنبال منافع مالی و یا قدرت بودن را لازم و ضروری قلمداد کرده است (بیسونی و وتر، ۱۳۸۰: ۹۵).

ب. فردی؛ زنا به صورت فردی نیز انواعی دارد و بسته به متعلق فعل زنا، حدود و احکام مختلفی دارد. بعضی با توجه به کلمات فقها، هشت نوع حد: قتل، جلد، رجم، جلد و رجم، جلد و تغریب و جزّ، حد مریض، حد بنده، حد مبعوض و حد و کیفر زائد را برای زنا بر شمرده‌اند (اللهیاری، فقهی و فلاح، ۱۴۰۱: ۳). از بین حدود فوق، سه حد قتل، رجم و جلد به عنوان اصلی‌ترین و سنگین‌ترین مجازات زنا به اختصار بیان می‌شود.



۱_۳_۳. مجازات و حد زنا

۱_۳_۱. قتل

زنا با محارم، زنای کافر ذمی با زن مسلمان، زنای به عنف و اکراه، از جمله مواردی است که مجازات قتل را در پی دارد. موجبات فوق، ذیلاً اشاره می‌شود.

الف. زنا با محارم؛ زنای با محارم شامل محارم نسبی، سببی و رضاعی می‌شود. مشهورترین نوع زنای با محارم، محارم سببی است و اکثر فقها قائل به مجازات اعدام برای این نوع زنا است (مفید، ۱۴۱۳: ۷۷۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۹۳۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۵۲۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴، ۳۶۰؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۷، ۲۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۰۹؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸: ۱۵، ۴۷۳؛ سبزواری، ۱۴۱۳: ۲۷، ۲۶۷). مشهور فقها زنا با محارم نسبی و رضاعی را موجب حد قتل نمی‌دانند؛ اما برخی از فقها زنا با محارم سببی (خویی، ۱۴۲۲: ۴۱، ۲۳۳) و برخی دیگر زنا با محارم رضاعی را نیز محلق به محارم سببی نموده و حکم قتل را بر او جاری دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷: ۵، ۳۸۶؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۸، ۸؛ حلی، ۱۴۰۵: ۵۴۹). در حکم زنای با محارم تفاوتی در احصان و عدم احصان، حر و عبد، مسلمان و کافر، پیر و جوان بودن زانی وجود ندارد.

ب. زنای کافر ذمی با زن مسلمان؛ حکم قتل برای زنای کافر ذمی با زن مسلمان مورد وفاق فقها است (مفید، ۱۴۱۳: ۷۷۸؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۲۶؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۲؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۵۱؛ حلی، ۱۴۱۰: ۳، ۴۳۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۱۳). ج. زنای به عنف و اکراه؛ مجازات زنای به عنف و اکراه، به اتفاق فقها قتل است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۵۲۶؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۵؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰، ۴۳۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۱۵). زنای در حال بیهوشی، خواب یا مستی و زنا با دختر نا بالغ در حکم زنای به عنف است (مکارم شیرازی و موسوی اردبیلی، نرم‌افزار قضایی قوه قضائیه ایران، سؤال ۶۹۶۷).

۱_۳_۲. رجم

حد رجم به اتفاق فقها در مورد زنای محصن و محصنه مترتب می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۸، ۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۱۸؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳، ۱۱؛ ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۵).



۱-۳-۳. جلد

برابر تصریح آیه ۲ سوره نور، مجازات اصلی زنا کار صد ضربه شلاق است. حد قتل و رجم را می‌توان از موارد تشدید مجازات نام برد. بنابراین اگر عوامل تشدید کننده مجازات مانند عنف، احصان و محرمیت وجود نداشته باشد، براساس نظر مشهور فقها، زانی به تحمل صد ضربه تازیانه محکوم می‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۱۰، ۴۴۵؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۲۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۸، ۲).

۲. لواط

یکی از جرائم جنسی، عمل شنیع لواط است که نه تنها خلاف فطرت پاک انسانی است، بلکه به لحاظ اجتماعی باعث انهدام بنیان خانواده و انقطاع نسل بشری خواهد شد. لواط دو نوع است یکی ایقابی و دیگری غیر ایقابی که به آن تفخیز گفته می‌شود. دو عنوان که در منابع فقهی با هم ذکر شده‌اند، علی‌رغم معنای نزدیک به هم هر کدام احکام جداگانه دارند. برای روشن شدن مفهوم دو عنوان، به اجمال مورد تعریف قرار می‌گیرند.

۲-۱. تعریف لواط

فقها دو عنوان لواط و تفخیز را به تنهایی مورد تعریف قرار نداده‌اند، بلکه بعد از تعریف کلی و اجمالی لواط، آن را به دو گونه ایقابی و غیر ایقابی تقسیم نموده و برای هر کدام احکام جداگانه‌ای ذکر کرده‌اند. به نظر می‌رسد آن گونه که در مورد زنا گفته شده، (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸: ۲۲) در مورد لواط نیز حقیقت شرعیه وجود ندارد و در اصطلاح فقهی لواط، همان معنا و مفهوم لغوی و عرفی مد نظر است. فقها در تعریف لواط از تعابیر مانند: «فجور الذکران با الذکران»، (مفید، ۱۴۱۳: ۷۸۵) «ایلاج فی الدبر»، (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۱۰) «وطء الذکران سواء کان بایقاب او بغیره»، (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۶) «وطیء الذکر من الآدمی»، (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۵۳۶) استفاده کرده‌اند. تعابیر فوق عام است و هم شامل لواط ایقابی و غیر ایقابی می‌شود. براین اساس، می‌توان برای لواط دو معنای عام و خاص تصور کرد. در معنای عام تماس جنسی دو انسان مذکر مصداق لواط است اعم از این که منجر به دخول گردد یا نه و در معنای خاص لواط به معنای تماس جنسی همراه با دخول خواهد بود.



۲-۲. انواع لواط

لواط به لحاظ وضعیت مدنی و اعتقادی فاعل و مفعول، نوع عمل لواط و اکراه و اختیار در فعل ارتكابی، دارای مسائل و احکام مختلفی است. در یک نگاه کلی می‌توان لواط را به لحاظ شیوه ارتكاب، به دو نوع فردی و سازمان‌یافته تقسیم کرد که احکام و مسائل هر کدام به ترتیب بیان می‌شود.

۲-۲-۱. لواط سازمان‌یافته و گروهی

چگونگی سازمان‌یافته‌گی در جرم لواط همان است که در زنا بیان شد و دو جرم در مفهوم تشکیلاتی بودن تفاوتی باهم ندارد؛ زیرا هر دو جرم بر پایه رابطه و مشارکت حد اقل دو نفر شکل می‌گیرد. در هر صورت ملاک سازمان‌یافته‌گی وجود عناصر اساسی جرم سازمان‌یافته مثل مشارکت بیش از دو نفر، برنامه ریزی، استمرار زمانی، وسعت و هدف غالباً اقتصادی در جرم لواط است. جرم فوق اگر در قالب ویژگی‌های فوق واقع شود، متصف به وصف سازمان‌یافته خواهد شد. اگرچه به طور معمول عمل لواط به صورت عادی و در جهت ارضای گرایش انحرافی مرتکب صورت می‌پذیرد، با این حال چنانچه در بحث زنا بیان شد، لواط نیز می‌تواند به عنوان یک شغل در جهت کسب منافع اقتصادی به کار برده شود، چنانچه برخی واژه‌روسی را مخصوص زنان ندانسته و بر مردان تن‌فروش نیز اطلاق کرده‌اند (فلاحی، ۱۳۸۲: ۱۴).

بنابراین دست‌کم به لحاظ نظری سازمان‌یافته‌گی در عمل شنیع لواط ناممکن نیست، چنان‌که امروزه هم‌جنسگرایی به‌خصوص در نسل جوان، حتی در کشورهای اسلامی در حال تغییر شکل و ماهیت از میل و انحراف شخصی و خصوصی به گرایش و جریان عمومی و اجتماعی است و دیری نخواهد پایید که عمل شنیع لواط در فرم و قالب یک رویکرد، دامن جوامع دینی-مذهبی را خواهد گرفت. لذا شایسته و ضروری است که مجامع علمی-پژوهشی و سیاست‌گذاران حوزه جزا و جرم‌شناسی، اقدامات واکنشی پیش‌دستانه و پیش‌گیرانه را در برابر گونه سازمان‌یافته جرم لواط از طریق تنقیح مفهوم، تحدید مصداق، تشخیص عنوان جزایی، جرم‌انگاری و تعیین مجازات مناسب اتخاذ نمایند.



۲-۲-۲. لواط فردی

گونه فردی و به عبارتی غیر سازمان‌یافته لواط، شامل لواط ایقابی (دخولی) و غیر ایقابی می‌شود. هرچند برخی از فقها، لواط را بر معنای اعم از ایقابی و غیر ایقابی استعمال کرده‌اند، (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۶؛ خویی، ۱۴۲۲: ۴۱، ۲۲۹) با این حال عنصر دخول، نشانگر تفاوت مفهومی دو عمل است، همان‌طور که حکم هر دو نیز متفاوت است. بنابراین استعمال اصلی لواط به دلیل ظهور عرفی، در مفهوم ایقابی آن است و استعمال آن در مفهوم غیر ایقابی از باب مجاز خواهد بود؛ چنان‌که برخی دیگر از فقها به مجاز بودن اطلاق لواط بر مصداق غیر ایقابی آن اشاره کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۷۶؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱۴، ۴۰۱). در این‌که ملاک تحقق لواط ایقابی چیست و مرز بین ایقاب و غیر ایقاب کدام است، کلمات فقها برداشت یکسانی را افاده نمی‌کند. برخی، در لواط ایقابی فقط به ذکر کلمه وطی بسنده کرده‌اند (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۲۶؛ ۴۰۱؛ خمینی، بی‌تا: ۲، ۴۶۹) که مطلق دخول هرچند کمتر از ختنه‌گاه، برداشت می‌شود؛ اما برخی حد اقل دخول را که می‌تواند موجب لواط ایقابی شود، پنهان شدن حشفه ذکر کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۵۳۶؛ طباطبایی حایری، ۱۴۱۸: ۱۶، ۵). بنابراین دخول به اندازه حشفه، لواط ایقابی و کمتر از ختنه‌گاه شامل قرار دادن و مالیدن آلت ذکوریت میان ران‌ها و کفل‌های جنس مذکر، مصداق لواط غیر ایقابی و به اصطلاح فقهی تفخیز خواهد بود. از آنجایی که حد لواط و تفخیز مختلف است، احکام هر کدام به تنهایی ذکر می‌شود.

۲-۲-۳. مجازات و حد لواط

۲-۲-۱. حد لواط ایقابی

عمل لواط داری دو طرف لواط‌کننده و لواط‌دهنده است و هر کدام حکم مخصوص به خود را دارد. بنابراین مجازات ملوط و لاطی جداگانه بیان می‌شود. حد فاعل لواط در دو صورت اکراه و ذمی بودن فاعل و مسلمان بودن مفعول، اعدام است. فقهای متقدم، متعرض فرض اکراه لواط نشده‌اند؛ اما فقهای معاصر در پاسخ استفتا از مورد فوق، حکم به اعدام اکراه کننده داده‌اند. در فرض ذمی بودن فاعل و مسلمان بودن مفعول، فقها به طور مطلق و بدون لحاظ شرط احصان و حتی در فرض عدم ایقاب، حکم به قتل فاعل داده‌اند (فاضل آبی،



۱۴۱۷: ۲، ۵۵۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۱: ۱۸۶؛ سیوری حلی، ۱۴۰۴: ۴، ۳۵۰).

در حد فاعل لواط مسلمان نسبت به شرط احصان، بین فقها دو دیدگاه وجود دارد. مشهور فقها عدم احصان را در حد فاعل شرط نمی‌داند و معتقدند لواط‌کننده در هر صورت کشته می‌شود (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۷۸۵؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۸: ۲۹۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴، ۴۰۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳، ۱۰۰). دیدگاه غیر مشهور عدم احصان را در اجرای حد قتل شرط می‌دانند و در صورت عدم احصان، حد فاعل لواط، صد ضربه شلاق خواهد بود (صدوق، ۱۴۱۵: ۴۳۷؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ۲، ۷۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۷، ۷۲؛ خویی، ۱۴۲۲: ۴۱، ۲۳۰).

به اتفاق فقها، حد لواط‌شونده، قتل است و احصان و عدم احصان در میزان مجازات آن تأثیری ندارد (مفید، ۱۴۱۳: ۷۸۵؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۶؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۴۲۵؛ فقاعانی، ۱۴۱۸: ۲۹۷). صاحب جواهر در مسئله ادعای عدم خلاف کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۷۸). یکی از فقهای معاصر نیز در این زمینه می‌نویسد: «مشهور بین فقهای امامیه از قدما تا فقهای معاصر این است که لواط‌کننده و لواط‌شونده هر دو کشته می‌شوند و فرقی بین محصن و غیر آن نیست و شاید حکم نسبت به لواط‌شونده اجماعی باشد که لواط‌شونده بالغ عاقل مختار کشته می‌شود و فرقی بین محصن و غیر محصن نیست. مناسبت حکم و موضوع نیز اقتضای همین حکم را دارد» (تبریزی، ۱۴۱۷: ۱۸۵).

۲_۲_۳. حد لواط غیرایقابی

در خصوص مجازات تفخیز در فقه، سه دیدگاه وجود دارد: بر اساس دیدگاه اول که شهید ثانی آن را به مشهور نسبت داده (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۴، ۴۰۸) که حکم فاعل و مفعول به طور مطلق، صرف نظر از وجود یا عدم اوصاف مثل احصان و عنف، صد ضربه شلاق است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۵۳۷؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳، ۱۰۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۸۲). دیدگاه دوم، حد تفخیز را در صورت وصف احصان، رجم و در صورت عدم احصان، صد ضربه شلاق دانسته است (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۰۴؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲، ۵۳۰). دیدگاه سوم، در هر صورت چه وصف احصان وجود داشته



باشد یا نداشته باشد، معتقدند که حد تفخیز قتل است. بنابراین فاعل و مفعول عمل تفخیز مطلقاً کشته می‌شوند. این قول به اسکافی و صدوقین نسبت داده شده است (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲، ۳۶).

در تفخیز ذمی با مسلمان در صورتی که فاعل ذمی باشد، حد او قتل است و وصف احصان و عنف تأثیری در حکم ندارد. صاحب جواهر در حکم فوق، ادعای عدم خلاف کرده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۷۹). هرچند برخی از فقهای معاصر در حکم فوق تردید کرده‌اند و حد فاعل ذمی را نیز صد ضربه شلاق می‌دانند (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۸۷، ۲۸۸؛ اردبیلی، ۱۴۲۷: ۲، ۵۹).

۳. مساحقه

۳-۱. معنای مساحقه

مساحقه یکی دیگر از جرائم جنسی غیر متعارف و خلاف فطرت بشری و اختصاصی زنان است که در حقوق کیفری اسلام برای آن حدی معین وضع شده است. مساحقه از ماده «سحق» در لغت به معنای دوری، کوبیدن با شدت و از بین بردن (قرشی، ۱۴۱۲: ۳، ۲۴۰) و در اصطلاح فقهی به معنای وطی زن با زن، آمده است (مشکینی، بی‌تا: ۳۰۱). علامه حلی در تعریف مساحقه می‌نویسد: «سحق عبارت است از مالیدن آلت تناسلی زن به آلت تناسلی زن دیگر» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۵، ۳۳۳).

۳-۲. انواع مساحقه

مساحقه نیز مانند دیگر جرائم جنسی می‌تواند به صورت فردی و جزئی یا سازمان‌یافته و فراگیر به وقوع بپیوندد که هر کدام معنون به عنوان خاصی بوده و مجازات متناسب خود را دارد. دو گونه جرم مساحقه به صورت جداگانه طرح می‌گردد.

۳-۲-۱. مساحقه سازمان‌یافته

هرچند فرض عقلی سازمان‌یافته‌گی جرم مساحقه ناممکن نیست؛ اما به لحاظ عملی به خصوص در کشورهای اسلامی تا حدودی قابل تردید است. اوصاف اساسی جرم سازمان‌یافته مانند برنامه‌ریزی در قالب تیم و گروه، گستره فعالیت و قابلیت ارتکاب جرائم



سنگین و هدف غالباً اقتصادی در جرم مساحقه نسبت به دیگر گونه‌های جرائم جنسی از قابلیت عملیاتی کمتری برخوردار است. قابلیت کمتر نه به دلیل عدم یا قلت میل و کشش درونی انحراف فوق در زنان، بلکه به این سبب که مساحقه جرم زنانه است و زنان به دلیل تیپ شخصیتی نوعاً محجوبشان نسبت به مردان، جسارت و بی‌پروایی لازم در ساماندهی، هدایت و پیشبرد تیمی مساحقه در مقیاس وسیع، دست‌کم در کشورهای مبتنی بر اعتقادات دینی - مذهبی را ندارند.

در هر صورت اصل امکان سازمان‌یافتگی جرم مساحقه ناممکن نیست و تا زمانی که اصل جرم هست، شکل و قالب وقوع آن در طول زمان، دچار دگردیسی تکاملی خواهد شد، شکل و قالب آن با دگردیسی تکاملی با چهره‌های متفاوت و پیشرفته‌تری نمود خواهد یافت زمانی به صورت فردی و عادی و دوره‌ای به شکل سازمان‌یافته ظهور و بروز خواهد یافت و ذهن کژاندیش و بزهکار بشری ناممکن‌ها را ممکن خواهد کرد! چنانکه امروزه نوعی سازمان‌یافته‌گی جرم مساحقه در قالب جریان‌های هم‌جنس‌گرا در غرب وجود دارد، هرچند به لحاظ انگیزه با هدف غالباً اقتصادی جرم سازمان‌یافته فاصله دارد؛ زیرا هدف اصلی در جریان هم‌جنس‌گرایی زنانه، مبارزه با تبعیض جنسیتی و به رسمیت شناخته شدن هم‌جنس‌گرایی به عنوان یک حق به اصطلاح طبیعی زنان است.

بنابراین در فرض تحقق جرم سازمان‌یافته مساحقه، مناسب‌ترین عنوان جزایی در گونه سازمان‌یافته آن، افساد فی الارض خواهد بود، چراکه جرم سازمان‌یافته به دلیل دارا بودن عناصر اساسی افساد فی الارض از مصادیق بارز جرم فوق محسوب می‌شود. در این صورت جرم مساحقه بر مبنای افساد فی الارض مجازات خواهد شد که ممکن است با مجازات صد ضربه شلاق گونه فردی آن تفاوت داشته باشد.

۲-۲-۳. مساحقه فردی

منظور از فردی بودن جرم مساحقه، به این معنا است که دو طرف عمل مساحقه، بدون هیچ گونه برنامه‌ریزی تیمی و هدفمند، به صورت شخصی و موردی، به ارتکاب جرم مساحقه اقدام می‌کنند. بنابراین منظور از فرد، وحدت مرتکب نیست، چه این که قوام جرم مساحقه و دیگر جرائم جنسی چون زنا و لواط به مشارکت اختیاری یا اکراهی حد اقل دو نفر است.



۳-۳. مجازات و حد مساحقه

در خصوص حد جرم مساحقه در فقه دو دیدگاه وجود دارد. دیدگاه اول که بین فقها مشهور است، حد مساحقه را صد ضربه شلاق ذکر کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۰: ۲، ۱۷۵؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۵۱۳؛ حلی، ۱۴۰۵: ۵۵۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۱۳، ۱۲۰). در مقابل دیدگاه مشهور برخی از فقها بین احصان و عدم احصان مساحق تفاوت گذاشته و حد مساحق محصنه را رجم و غیر محصنه را صد ضربه شلاق ذکر کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۰۶؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۲، ۵۳۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۷). جدا از قول غیر مشهور که وصف احصان را مؤثر در حکم می‌دانند، اوصاف دیگر مانند مسلمان یا ذمی بودن، حریا کنیز بودن، فاعل یا مفعول بودن و علف یا اختیار تغییری در نوع حکم ایجاد نمی‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۳۸۸)، به این معنا که در هر صورت حکم همان صد ضربه شلاق است. لازم به ذکر است که منظور از علف، عدم تغییر حکم اجبار کننده است و اجبار شده در هر صورت محکوم به هیچ نوع مجازاتی نخواهد شد.

۴. قوادی (واسطه‌گری در فحشا)

قیاده مأخوذ از مصدر «قَوَّد» و نقیض «سَوَّق» است. قود به معنای هدایت، راهبری و بردن از جلو و سوق، هدایت و راندن از پشت سر است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳، ۳۷۰). قَوَاد صیغه مبالغه فعل قاد و به معنی کسی است که به نحو حرام بین زن و مرد جمع می‌کند (طریحی، ۱۴۱۶: ۳، ۱۳۲). قوادی در اصطلاح فقهی نیز به معنای رابط و به هم رساننده زن و مرد یا دو مرد جهت عمل زنا و لواط آمده است. فقها در تعریف و توضیح جرم قوادی از تعابیر ذیل استفاده کرده‌اند: «الجمع بین الرجال و النساء للزنا، او بین الرجال و الرجال للواط»؛ (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۸) «الجمع بین النساء و الرجال او الرجال و الغلمان للفسجور»؛ (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳، ۴۷۱) «من جمع بین رجل و امرأه او غلام او بین امرأتین للفسجور»؛ (ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۴۲۷) «الجمع بین الفاجرین للفسجور» (طوسی، ۱۴۰۸: ۴۱۴). بنابراین کسی که دو نفر یا بیشتر را جهت عمل حرام جنسی به هم برساند و نقش واسطه را در معرفی یا تهیه مکان یا دیگر تسهیلاتی که موجب وقوع عمل حرام جنسی شود، داشته باشد مرتکب جرم قوادی شده است. بیشتر تعاریف ناظر



به رابطه جنسی زن و مرد است، با این حال در تعریف ذکر شده از ابن زهره حلبی، به هم‌رساندن دو زن جهت عمل مساحقه نیز مصداق جرم قوادی دانسته شده است. برخی از فقهای دیگر نیز قائل به چنین ایده‌ای هستند (ابوالصلاح حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۰؛ حایری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۶، ۲۷؛ خویی، ۱۴۲۲: ۴۱، ۳۰۳).

۳-۱. انواع جرم قوادی به لحاظ شیوه ارتکاب

جرم قوادی را می‌توان به لحاظ موضوع، به سه گونه زنا، لواط و مساحقه طبقه‌بندی کرد و به اعتبار شیوه ارتکاب به دو سنخ فردی و سازمان‌یافته دسته‌بندی نمود، با این حال به دلیل وحدت مجازات قوادی در گونه‌های موضوعی آن و به جهت رعایت اولویت نوشتار حاضر در بررسی گونه سازمان‌یافته جرائم جنسی و از جمله جرم قوادی، فقط به دو قالب روشی جرم فوق پرداخته می‌شود. براین اساس، ابتدا حد فردی جرم قوادی ذکر می‌گردد و سپس شکل سازمان‌یافته آن بررسی خواهد شد.

۳-۱-۱. قوادی سازمان‌یافته

شکل سازمان‌یافته جرم قوادی در دو بخش بیان می‌شود، نخست چستی یا چگونگی سازمان‌یافته‌گی قوادی و دیگری مجازات قوادی سازمان‌یافته.

به نظر می‌رسد جرم قوادی بیش از دیگر جرائم حدی، قابلیت سازمان‌یافته‌گی را دارد. عناصر جرم سازمان‌یافته به آسانی در جرم قوادی قابل ردیابی است. جرم قوادی با شرکت و حضور حد اقل سه نفر شکل می‌گیرد، نصاب فوق اولین شرط تحقق جرم سازمان‌یافته نیز است. هدف اصلی و نهایی در جرم سازمان‌یافته، کسب منافع اقتصادی است، هدف فوق غرض اصلی در جرم قوادی نیز به شمار می‌رود. قواد ممکن است بیش از یک هدف را دنبال کند؛ اما غرض اصلی، کسب سود مالی است و دیگر اغراض، نقش تبعی و تمهیدی دارند. «در مظان ارتکاب جرائم سنگین قرار داشتن»، از دیگر اوصاف اساسی جرم سازمان‌یافته است. مورد سوء ظن بودن به این معنا است که جرم سازمان‌یافته به دلیل ساختار تشکیلاتی و جرأت و جسارت ناشی از پیوند و همکاری گروه، قابلیت و ظرفیت بالای ارتکاب جرائم خطیر در مقیاس وسیع را دارد. سنگینی جرم در دو حالت وسعت دامنه جرم و خطیر بودن جرم ارتكابی متصور است، بدین سبب ویژگی فوق می‌تواند، بیانگر سعه و گستردگی جرم



سازمان یافته باشد. وضعیت پیش گفته را در جرم قوادی نیز می توان رهگیری کرد، بدین جهت که دامنه فعالیت قواد، معمولاً به ایجاد رابطه بین دو نفر محدود نمی شود، با کسب تجربه لازم در طول زمان، برای به دست آوردن سود بیشتر، تعداد رابطین و حوزه فعالیت مجرمانه خود را در محل فعالیت و خارج از آن گسترش خواهد داد. از طرف دیگر جرم قوادی به دلیل ماهیت تبه کارانه اش، ممکن است مرتکب جرائم خطیر تجاوز به عنف و حتی قتل نیز شود. برنامه ریزی، ساماندهی و تقسیم وظایف به عنوان یکی از ارکان جرم سازمان یافته، در جرم قوادی نیز محتمل و بلکه موجود است، چه این که استمرار فعالیت قوادی جهت در امان ماندن از مراجع قانونی و قضایی جز با برنامه ریزی دقیق و نظم بخشی خاص میسر نیست.

فعالیت مجرمانه که بیانگر ماهیت جرم سازمان یافته است در قوادی نیز وجود دارد و از این حیث دو جرم دارای ماهیت مجرمانه همسانی هستند. استمرار یکی دیگر از مقومات جرم سازمان یافته است که در جرم قوادی طبیعتاً وجود دارد و قوادی به صورت مقطعی و موردی هر چند ناممکن نیست؛ اما معمول هم نیست. بنابراین وجود اوصاف پیش گفته، جرم قوادی را از حالت به فردی و عادی به وضعیت سازمان یافته تغییر خواهد داد و با احراز عناصر فوق در قوادی، می توان گفت جرم قوادی سازمان یافته محقق شده است.

۲-۱-۳. قوادی فردی

آن گونه که در دیگر انواع جرائم جنسی مورد اشاره قرار گرفت، منظور از فردی بودن جرم قوادی فرم غیر سازمانی آن است و تعبیر فرد، لزوماً به معنای وحدت مرتکب نیست، چه این که تحقق جرم قوادی با مشارکت دست کم سه نفر ممکن می شود.

۲-۲. مجازات و حد قوادی

جرم قوادی به لحاظ نقش قواد در تحقق جرم، جایگاه معاونت در جرم را دارد و باید مجازات آن ذیل مجازات جرم اصلی تعریف می شد، ولی با این حال به دلیل زشتی و پیامدهای زیانبار اجتماعی آن، به شکل مستقل جرم انگاری شده است. فقها برای جرم قوادی چهار نوع مجازات بیان کرده است: ۱- هفتاد و پنج ضربه شلاق، ۲- تبعید، ۳- تراشیدن سر، ۴- تشهیر. شیخ طوسی در مورد مجازات قواد نوشته است: «مجازات کسی که بین زنان و



مردان و پسر بچه‌ها جهت اعمال زشت منافی عفت، جمع کند با دو شاهد یا اقرار ثابت شود این است که هفتاد و پنج ضربه شلاق زده شود و سرش تراشیده و در شهر گردانده شود و سپس از شهر محل ارتکاب جرم به شهر دیگری تبعید شود. اگر قواد زن باشد، مثل مرد شلاق زده می‌شود و تشهیر و تحلیق و تبعید نمی‌شود» (طوسی، ۱۴۰۰: ۷۲۲). محقق حلی بعد از ذکر مجازات هفتاد و پنج ضربه شلاق، تحلیق و تشهیر را تحت عنوان «قیل» ذکر می‌کند و مجازات تبعید را نیز از شیخ طوسی و شیخ مفید نقل می‌کند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۴، ۱۴۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ۷۹۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۵۳۸؛ ابن زهره حلبی، ۱۴۱۷: ۴۲۷؛ گلیایگانی، ۱۴۱۲: ۲، ۹۵-۹۹). صاحب جواهر در رد محقق حلی که قول به تحلیق و تشهیر را ضعیف دانسته است، می‌گوید قول فوق، بین فقها مشهور است و حتی ابن ادریس که اخبار آحاد را قبول ندارد قائل به این قول است و سید مرتضی در الانتصار و ابن زهره در الغنیه بر آن ادعای اجماع کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۴۱، ۴۰۰).

نتیجه‌گیری

جرائم جنسی حدی در فقه امامیه عبارتند از زنا، لواط، مساحقه و قوادی یا واسطه‌گری در شکل‌گیری جرم جنسی که هرکدام از این جرائم می‌تواند هم به صورت فردی واقع شود و هم به صورت گروهی و سازمان‌یافته. قتل، رجم و جلد، مجازات‌های اصلی زنا است؛ قتل مجازات زنا با محارم، زنا با کافر ذمی با زن مسلمان و زنا با زنای به عنف است. مشهور فقهای امامیه زنا با محارم نسبی را موجب قتل می‌دانند؛ اما تعدادی محارم سببی را نیز موجب قتل دانسته است. به اتفاق فقهای امامیه، رجم مجازات یا حد زنا با محصن و محصنه است و اگر عوامل تشدیدکننده جرم وجود نداشته باشد، طبق نظر مشهور فقها، زانی و زانیه به صد ضربه شلاق محکوم می‌شوند.

لواط یا هم‌جنس‌گرایی مردان، عمل شنیعی است که مخالف فطرت انسانی بوده و موجب انقطاع نسل بشری می‌گردد. لواط بر دون نوع؛ ایقابی و غیر ایقابی تقسیم می‌گردد. مجازات لواط، اگر لاطی، کافر ذمی باشد، به صوت مطلق، محکوم به اعدام است؛ اما اگر مسلمان باشد، در میان فقها دو دیدگاه وجود دارد: برخی اعدام لاطی را مشروط به احصان وی دانسته و برخی دیگر، احصان لاطی را شرط نداشته‌اند. مجازات ملوط، محصن باشد

و یا نباشد، قتل است.

به هم جنس گرایی زنان مساحقه گفته شده است که مجازات آن، طبق دیدگاه مشهور، صد ضربه شلاق است؛ اما دیدگاه غیر مشهور آن است که اگر مساحقه کننده محصنه باشد، مجازاتش رجم و اگر غیر محصنه باشد، مجازاتش صد ضربه شلاق است. قوادی یا واسطه‌گری در جرائم جنسی، معاونت در شکل‌گیری جرم محسوب می‌شود که در خصوص مجازات آن میان فقهای امامیه اندک اختلافی وجود دارد: برخی علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق، تراشیدن سر، تشهیر و تبعید جانی را نیز لازم دانسته است و برخی دیگر، مجازات آن را تنها هفتاد و پنج ضربه شلاق دانسته‌اند.



فهرست منابع

۱. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰ ق)، السرائر الحاوی لتحرير الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۲. ابن براج، قاضی عبد العزيز، (۱۴۰۶ ق)، المهدب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، (۱۴۰۸ ق)، الوسيلة إلى نیل الفضيلة، قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۴. ابن زهره حلبی، حمزة بن علی، (۱۴۱۷ ق)، غنية النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفكر
۶. ابو الصلاح حلبی، تقی الدین بن نجم الدین، (۱۴۰۳ ق)، الکافی فی الفقه، اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین^(ع).
۷. اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۰۳ ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. بیسونی، محمد شریف؛ وتر، ادوارد، (۱۳۸۰)، درآمدی بر درک جرم سازمان یافته و مظاهر فراملی آن، (ترجمه: محمد ابراهیم شمس ناتری)، تهران: نشریه حقوقی دادگستر، شماره ۳۴.
۹. تبریزی، جواد بن علی، (۱۴۱۷ ق)، أسس الحدود و التعزیرات، قم: دفتر آیت الله تبریزی.
۱۰. حائری طباطبایی، سید علی، (۱۴۱۸ ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۱. حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۰۹ ق)، الفقه، بیروت: دارالعلوم
۱۲. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵ ق)، الجامع للشرائع، قم: مؤسسه سید الشهداء.
۱۳. خوانساری، سید احمد بن یوسف، (۱۴۰۵ ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، قم: مؤسسه اسماعیلیان
۱۴. خویی، سید ابو القاسم موسوی، (۱۴۲۲ ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.





۱۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۹)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. سبزواری، سید عبد الأعلى، (۱۴۱۳ ق)، مهذب الأحكام، قم: مؤسسه المنار
۱۷. سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز، (۱۴۰۴ ق)، المراسم العلویة و الأحكام النبویة، قم: منشورات الحرمین.
۱۸. سیوری حلّی، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۴ ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۹. شریف مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۱۵ ق)، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۵ ق)، المقنع، قم: مؤسسه امام هادی^(ع).
۲۱. طریحی، فخر الدین، (۱۴۱۶ ق)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی
۲۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۳۸۷ ق)، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة.
۲۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، (۱۴۰۰ ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت: دار الكتاب العربی.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ ق)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. طوسی، محمد بن علی بن حمزه، (۱۴۰۸)، الوسيلة إلى نیل الفضیلة، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۶. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰ ق)، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، قم: کتابفروشی داوری.
۲۷. علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳ ق)، قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۸. علامه حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۱ ق)، تبصرة المتعلمین فی أحكام الدین، تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.



۲۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۳ ق)، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۰. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۰ ق)، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۰ ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق(ع).
۳۲. عمید، حسن (۱۳۸۴)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
۳۳. فاضل آبی، حسن بن ابی طالب، (۱۴۱۷ ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۴. فاضل هندی، محمد بن حسن، (۱۴۱۶ ق)، کشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. فقعی، علی بن علی بن محمد بن طی (۱۴۱۸ ق)، الدر المنضود فی معرفة صیغ النیات و الإیقات و العقود، قم: مکتبه إمام العصر(عج).
۳۶. فلاحتی، علی، (۱۳۸۲)، روسپی گری و سکوت سنگین قانون، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۲.
۳۷. فیض کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی، (بی تا)، مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۳۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۴۱۲ ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۳۹. گلپایگانی، سید محمدرضا، (۱۴۱۲ ق)، الدر المنضود فی أحكام الحدود، قم: دار القرآن الکریم.
۴۰. اللهیاری، ماهرخ؛ فقیهی، علی؛ فلاح، اکبر، (۱۴۰۱)، واکاوی دیدگاه مذاهب اسلامی در مجازات زنا، نشریه پژوهش های حقوقی میان رشته ای، شماره ۹.



۴۱. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۸ ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۲. مشکینی، میرزا علی، (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا: بی نا.
۴۳. معین، محمد، (۱۳۸۵)، فرهنگ فارسی معین، تهران: نشر سرایش.
۴۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، ر (۱۴۱۸ ق)، أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب^(ع).
۴۶. موسوی (امام خمینی)، سید روح الله، (بی تا)، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار العلم.
۴۷. موسوی اردبیلی، سید عبد الكريم، (۱۴۲۷ ق)، فقه الحدود و التعزیرات، قم: مؤسسه النشر لجامعة المفید.
۴۸. نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴ ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.